

نماش

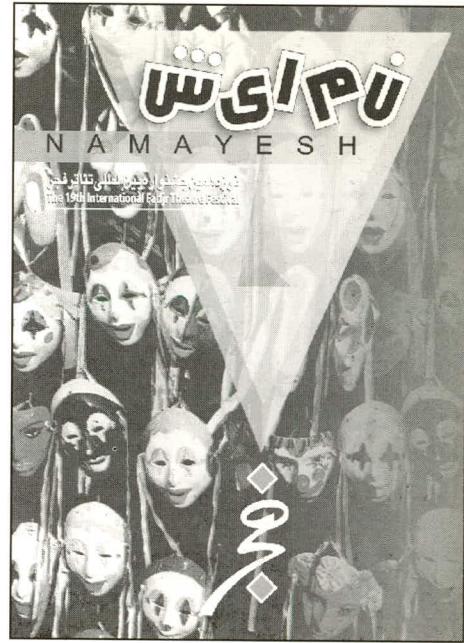
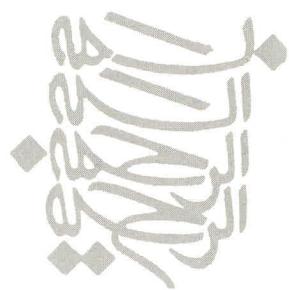
NAMAYESH

نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر
The 19th International Fajr Theatre Festival

2

۱۹





نمایش

NAMAYESH

ویژه نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر ۱۳۷۹ بهمن ماه ۲

سرباز	لله تقیان
طراح و مدیر فنی	انوشیروان میرزائی کوچکسرانی
متجمین	اختار اعتمادی - آوا سرجویی
عکاس	فاثمه دادخواه
کامپیوتراگرافیک	کیانوش رمضانی
حروف نگار	فرزانه سرمدی
صفحه بندی کامپیوترا	پرویز میرزا حسینی
لیتوگرافی رنگی	جهاد دانشگاهی (واحدهن)
چاپ جلد	چاپ نخستین
چاپ متن	انتشارات نمایش
همکاران	جواد تو لمی - محمد علی میرزائی - علیرضا لطفعلی - هانی کیوان ثانی شراره محمد خباز - فریما روحی نژاد - ناهید کشاورز - افسین منقوی فرهاد سرافراز - مریم محمدی - مهرانه آتشی

مقالات منتشره الزاماً نظرات مرکز هنرهای نمایشی و ذریث فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. نقل مطالب و عکس ها با ذکر مأخذ آزاد است. نمایش در چاپ و پرینت مقالات و مطالب واردۀ مختار است. مقالات در سیلاۀ هیچ وجه مسترد نخواهد شد.

نشانی: تهران - خیابان حافظ - خیابان استاد شهریار (ارتفاع) - تالار وحدت - کد پستی ۱۱۳۳۴ - انتشارات نمایش
تلفن: ۰۶۰۵۰۱-۵ و ۰۸۶۱-۶۷۰۸۶۱ - پست تصویری: ۰۳۴۸۵ - پست الکترونیک: dac @ neda.net
آدرس سایت اینترنت: <http://www.irannamayesh.com>

نتایج
انتشارات نمایش

Dramatic Arts Center مرکز هنرهای نمایشی

نوزدهمین THE 19th INTERNATIONAL FADIR THEATRE FESTIVAL
جشنواره بین المللی تئاتر فجر
تهران - ۲ بهمن ۱۳۷۹ TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001

نمایش، تجربه‌ای جمعی: مراسم آیینی

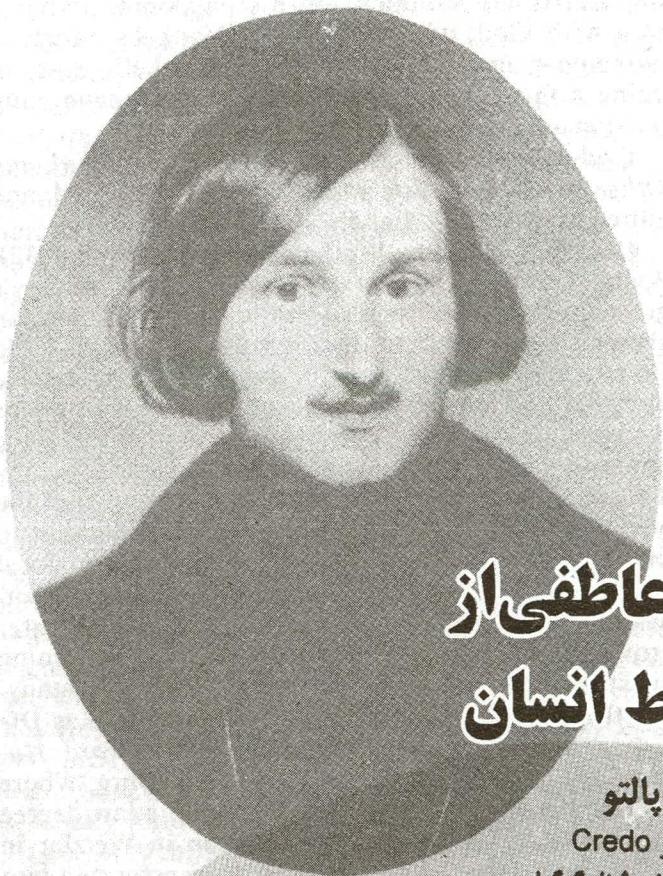
می‌توان نمایش را قالبی برای اندیشه، روندی برای شناخت، و شیوه‌ای برای برگردانیدن مفاهیم انتزاعی به شرایط ملموس انسانی دانست، شیوه‌ای که به کمک آن می‌توان وضعیتی را بر روی صحنه تنظیم و طراحی کرد و پی‌آمدّها و عواقب آن را آزمود (مثالاً: چه خواهد شد اگر تمامی عشق‌ها خارج از مرز زناشویی در شمار گناهان کبیره به حساب آید، مانند نمایشنامه **مکافات عمل اثر شکسپیر**).

ولی آیا مگر نه آنست که نمایشنامه‌نویس، کارگردان، و بازیگران چنان بر این آزمون تئاتری تسلط دارند که می‌توانند بنا به خواست خود در نتایج حاصل از آن دخل و تصرف کنند و پایانی مطابق میل خویش بر آن ترتیب دهند؛ و اگرچنین باشد، چگونه می‌توان نمایش را راه و روشی برای آزمودن عواقب و پی‌آمدّهای ناشی از یک موقعیت خاص دانست؟

در واقع نویسنده و گردانندگان نمایشنامه فقط نیمی از فرایند کل را تشکیل می‌دهند؛ نیم دیگر مشکل است ازتماشاگر و واکنش‌های وی. بدون تماسگر، نمایشی وجود نخواهد داشت. نمایشنامه‌ای که به اجرا در نیاید در شماردادیات محض است. در اجرا، یا نمایشنامه موفق یا ناموفق، به عبارت دیگر یا مورد پذیرش تماساگر قرار می‌گیرد و یا مردود می‌شود. همانطور که در فصل پیش هم اشاره شد، نمایش تماسگر را وادار می‌سازد تا مشاهدات خویش را بر صحنه درست به همان شیوه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد که در زندگی واقعی به تفسیر و تعبیر رویدادها و پیش‌آمدّهای خصوصی خود می‌پردازد. تماسگر تمامی آنچه را که روح به هاملت می‌گوید، می‌شنود و می‌بیند و ناچار است درست مساند خود هاملت راز و رمز قضیه را یافته و تشخیص دهد که روح اصیل و حقیقی است یا صرفاً شیخ پلیدی که برای گمراه کردن هاملت و اغوای او به گناه فرستاده شده. به این ترتیب تماساگر وادار به تجربه همان حوادث و جریاناتی می‌شود که بر کاراکتر روی صحنه می‌گذرد. و به زودی می‌تواند درباره اصالت این تجربه داوری کند. به عبارت دیگر آنچه نویسنده و بازیگر به تماساگران ارائه می‌نمایند یا متقاعد کننده است و یا نیست.

در این شماره می‌خوانیم

- | | |
|----|---------------------------|
| ۴ | بیان عاطفی از شرایط انسان |
| ۵ | نبرد خیر و شر |
| ۶ | خبر اخبار |
| ۸ | تئاتر ملی ما همین است |
| ۹ | برخورد آکادمیک با نمایش |
| ۱۰ | گزارش مصور |
| ۱۲ | جزئی از اساطیر ما |
| ۱۳ | معرفی گروه‌های خیابانی |
| ۱۴ | آمار |
| ۱۶ | بخش انگلیسی |
| ۱۸ | برنامه‌های امروز و فردا |



بیان عاطفی از شرایط انسان

اورکت - پالتو

اجوایی از تئاتر Credo

با الهام از نمایش شنل گوگول
ایده، طرح، طراحی، نمایشنامه و

کارگردانی: نینا دیمیترووا، واصلیف واصلیف -

ژنک، استلوزار گاگوف

لباس: مایا پترووا

بازیگران: نینا دیمیترووا، واصلیف واصلیف -

ژنک

قصه یک زندگی شادی آور و آندوهناک، با آغازی ذلپنیر و پایان غیرمنتظره درباره یک روح، یک کارمند و یک کت.

قصهای در باب آدمی که پالتو دزد می‌شود.

داستانی که در آن یک کت دزد بوجود می‌آید زندگی یک کارمند دون پایه که در غم از

دستدادن کتش می‌برد و بعد از مرگ، روحش در خیابان‌های پترزبورگ پرسه می‌زند. روحی

که کت مردم را از شانه‌هایشان می‌دزد.

و نیز داستانی درباره آزادی روح بشری که نمی‌پذیرد در درون هیچ کتنی جبس شود.

درباره گروه

گروه تئاتر کردو، یک گروه تئاتر خصوصی است که در سال ۱۹۹۲

از منتقدان (اسکاتسمن) و نیز مجله (لیست) را از آن خود کرد و بهترین اجرای این جشنواره نام

گرفت. در عین حال در فهرست بیست نمایش برتر قرار گرفت. و نیز در سال ۱۹۹۷ باز

هم در همین جشنواره منتخب مجله لیست به

عنوان بهترین رویداد هنری شد.

نمایشنامه پالتو تاکون به هشت زبان: بلغاری، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی،

روسی، یونانی و صربی اجرا شده است.

نمایش

شماره دوم

نقد نمایش اورکت

بهترین داستان کوتاه نیکولای گوگول ماجراهی زندگی غم‌انگیز کارمند فقیری است که از غصه دزدیده شدن کتش دق می‌کند. او در راهبازگشت خندان، سرمست و تلو تلو خوران است که کتش از روی دوشش دزدیده می‌شود. اما روح او در صدد انتقام طنزآمیزی بر می‌آید و شروع به‌دزدیدن کت‌های شهروندان سنت پترزبورگ می‌کند. مارسل مارسو این تئاتر را بدون کلام بر روی صحنه برداشته کشودی که در آن اجرا کردو (بلغارستان) بنایه کشودی که در آن اجرا دارد دیالوگ آن را تهیه می‌کنند. اما با همه این وجود قبل از دیدن تئاتر همیشه بهتر است که متن اصلی را حتمابخوانید.

نینا دیمیترووا و واصلیف واصلیف به صوت دو آدم دغل و دزدهای خیابانی در پشت نزددهای زندان ظاهر می‌شوند. حس در پشت نزددهای مستحکم که توسط حلقه‌های آهنین به هم متصل گشته‌اند با آن چشم‌های وحشت زده در زیر ابروهای پر پشت و سیاه از همه مطالبه‌کمک می‌کنند. آنها که به دزدی متهم گشته‌اند از هیئت ژوری یعنی بینندگان التماس می‌کنند تا در دلیلی برای ناپدیدن شدن این همه کت ارتاهدند.

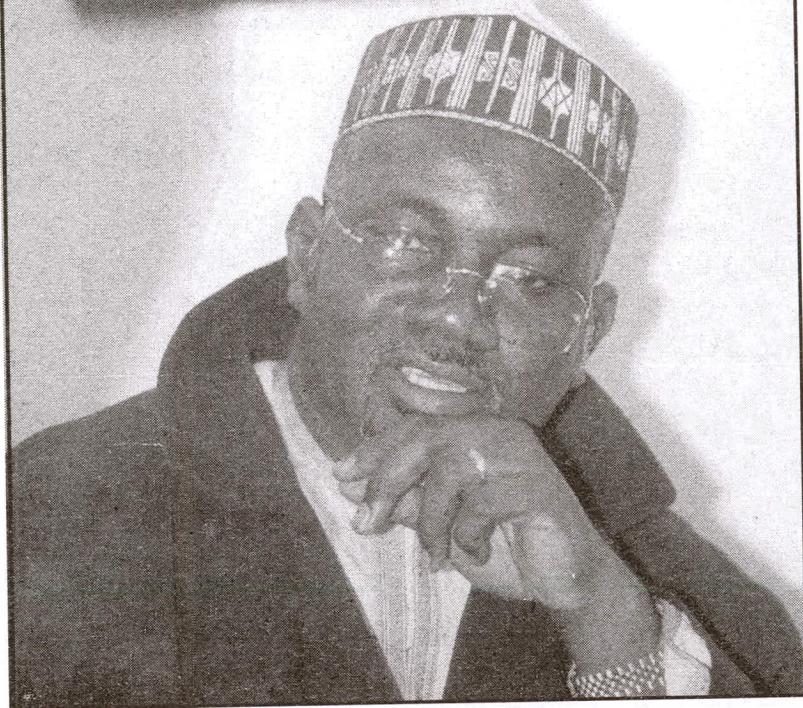
روح کارمند توسط نور و پارچه‌ای کهنه نشان داده می‌شود. و آنها با استفاده از میله‌های زندان و تکه‌های پارچه تخته‌های شکسته و پاشی برای بدن و در آخر با استفاده از سری سیب زمینی شکلی او را بازسازی می‌کنند.

این نمایش ترکیب فوق العاده است از یک ماجراهی ترحم‌انگیز و طنزی که با موزیک‌گری هر چه تمامتر انجام شده است. این نمایش از چهارسال پیش تا به حال پیشرفت به سرافی داشته است و در حال حاضر ۸۰ دقیقه نمایش را بدون هیچگونه تنشی بر روی صحنه می‌برند. بیشتر صحبت در طول نمایش توسط نینا با لهجه‌ای قوی و تأثیرگذار صورت می‌گیرد در حالیکه واصلیف واصلیف نظر بینندگان را با خنده‌های ترسناک با نحو نامرئی که از آشتبین‌های روح درست شده و فریاد گریه بجهه‌ای توسط یک نوار به خود جلب می‌کند در نهایت این روش بینانی استعاطفی از شرایط عجیب و غریب انسان.

◀ نبرد خیر و شر

از کشور سیرالنون

نمایش یکدنه کاری از شرکت تئاتر اسپنسر



ارتباطات، جهانگردی و فرهنگ سیرالنون
جوایز ۱۹۹۷- مارچ ۱۹۹۸. رئیس مرکز
FM98.1 رادیو
ماج ۱۹۹۴- دسامبر ۱۹۹۵ مدیر اجرایی خانه
نشر
فوریه ۱۹۹۵- ۱- آگوست ۱۹۹۶. سرپرست اجرایی،
دپارتمان انگلیسی، فوراچ کالج
جون ۱۹۹۲- دسامبر ۱۹۹۳ مدیر ویرایش
"پروردش جدید" روزنامه هفتگی
ماج ۱۹۹۱. کارگردان هنری، فستیوال هنری
فری تان
ژانویه ۱۹۹۰- ژانویه ۱۹۹۴. کارگردان هنری،
شرکت اسپنسر (هنرهای نمایشی و تهیه
نمایش)
فوریه ۱۹۸۹- ۱۹۸۸. رئیس قسمت تهیه نمایش
دانشکده بخالا
اکتبر ۱۹۸۷- دسامبر ۱۹۸۸. هماهنگ کننده،
 برنامه مطالعاتی روی آفریقا، دانشکده بخالا
اکتبر ۱۹۸۳- دسامبر ۱۹۸۶. هماهنگ کننده
 برنامه های دراما مدرسه بین‌المللی دانشگاه
ایران
جوایز ۱۹۹۷- جوایز ۱۹۸۱. کارگردان تایا
دراماتیک استارز دانشکده بخالا
سپتامبر ۱۹۹۷- آگوست ۱۹۷۸ عضور، برد تهیه
کنندگان تئاتر تابول
مشاوره
می- جون ۱۹۹۶
ژانویه- مارچ ۱۹۹۸ مشاور مدیر هنری،
شرکت تهیه کننده تئاتر اسپنسر

جولیوس سونی اسپنسر کارگردان گروه:

- ۱- بورسیه هوبرت هامفری (ارتباط جمعی) ۱۹۹۶
- ۲- بورسیه موسسه کامن ولت برای تئاتر سپتامبر- نومبر ۱۹۹۱

جزئیات تدریس و تجارب اجرایی
سپتامبر ۱۹۹۲- آوریل ۱۹۹۸. سخنرانی درباره ارتباط جمعی دپارتمان انگلیسی فوراچ کالج
دانشگاه سیرالنون
سپتامبر ۱۹۸۹- ۱- آگوست ۱۹۹۲. سخنرانی هنرهای نمایشی، دپارتمان انگلیسی، فوراچ کالج دانشگاه سیرالنون
فوریه ۱۹۸۷- ۱- آگوست ۱۹۸۹. سخنرانی دراما.

دپارتمان انگلیسی دانشکده بخالا (دانشگاه سیرالنون)
اکتبر ۱۹۸۳- ۱- آگوست ۱۹۸۲. معلم کارگردان
دیواری هنرهای نمایشی، دانشگاه ایران

سپتامبر ۱۹۷۸- ژانویه ۱۹۸۷. آسیستان در پژوهش و تدریس، دانشگاه بخالا (در مخصوصی تحصیلی از اکتبر ۱۹۸۱ تا ژانویه ۱۹۸۷)

جوایز ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۸. معلم، راهنمایی سنت ادواردز فری تان
تجارت اجرایی
اکتبر ۱۹۹۹- ۱۹۹۹ وزیر اطلاعات و پخش برنامه سیرالنون
اویل ۱۹۹۸- اکتبر ۱۹۹۹ وزیر اطلاعات،

لجبازی، بدجنی و حرس بیش از حد که منجر به خود تیاه‌سازی می‌گردد. موضوع اصلی این نمایش است. همچنین این نمایشنامه ادغام دو داستان محبوب مردمی است. قسمت اول نمایشنامه داستان دختر زیبای دهکده است که به هر کدام از خواستگارانش که نظر مثبت والدین و دوستانش را جلب می‌کنند جواب منفي می‌دهد. او حتی به ازدواج با رثوتمندترین مرد دهکده نیز اخصی نیست. بالآخره عاشق غریبه‌ای خوش سیما می‌گردد و با وجود همه خواهش‌های والدین و دوستانش به ازدواج با او اصرار می‌کند. غریبه که در حقیقت شیطانی است که در قیافه مبدل در راه خانه او بعد از مراسم ازدواج دختر را به کام نابودی می‌کشاند.

قسمت دوم داستان دختر جوانی است که مرتباً توسط نامادری و ناخواهی خود موجب بدرفتاری قرار می‌گیرد. یک روز در راه چشم‌برای آوردن آب ظرف او می‌شکند. ارواح رودخانه دلشان برای او می‌سوزد و وظایفی را بر او محول می‌کنند و بعد از اینکه معلوم می‌شود که او دختر حرف شنی است به او ظرف آب جدیدی می‌دهند. او به خانه باز می‌گردد و دلیل اینکه درون ظرف پر از جواهرات است از کتک‌خوردن نجات پیدا می‌کند. بعد از اینکه نامادری تمام ثروت را حرام می‌کند دختر خود را بیش از ارواح رودخانه می‌فرستد. او نیز با دست پربرمی‌گردد. اما بعد از اینکه ظرف خود را به عدم می‌شکند دختر به سمت رودخانه می‌رود که با ارواح روبرو می‌شود. هر چند او بی‌ادب و سرکش است و در عصبانیت ارواح به او ظرفی می‌دهند، که زمانیکه باز می‌شود از آن شیاطین و ارواح بد بیرون می‌آیند و او و مادرش را نابود می‌کنند.

توانمند کرد که به دور از کلیشه‌های رایج در عالم بازیگری بازی می‌کنند و در واقع خالقان اصلی نقش‌ها خود آنها هستند یعنی بازیگر نقش‌ها را در صحنه دوباره خلق کرده‌اند، خلقی که متعلق به خودشان است و کمتر الگویی از بازی مشابه‌داشته‌اند. همه اینها ارزش است و استعداد. برخی با پیش داوری سالن را ترک می‌کنند و برخی می‌نشینند و نهایت تلاش خود را در کشف نقاط مشبّث و منفی نمایش دارند. در اجرای این نمایش که به زعم اینجانب در این روز جشنواره جزو نمایش‌های استثنایی و قابل توجه بوده سالن پر تا پایان از نیمه کمتر شد ولی آنها که مانندن و تا پایان نمایش را دیدند به اندازه ده برابر گنجایش سالن هنرمندان نمایش را تشویق کردند که اصلاً جای خالی تماشاگران ترک کننده سالن حس نشد. این نمایش یک کار قابل توجه بود که حتی در اجراهای خیلی از حرفة‌ای‌ها هم امکان تماشا و تجربه‌اش نیست. و باز تأکید می‌کنم که قصد نقد نمایش و یا تحمیل آن به تماشاگر نبود ولی قصد نقد تماشاگر بود. خیلی‌ها گفتند آنها که تا پایان مانندن و لذت بردن کرده بودند ولی من و چند تن از همراهانم که مشترک‌آمیز تماشای نمایش لذت بردم هیچ کدام گرد نبودیم.

بهمن قبادی فیلمساز یا دوبلور تئاتر
در دومین روز از برگزاری جشنواره نمایش سرزمین افسون از کردستان در تالار قشقاوی تئاتر شهر به روی صحنه رفت. این نمایش به زبان کردی اجرا می‌شد و بهمن قبادی فیلمساز کرد کشورمان به تماشای این نمایش آمده بود. بهمن قبادی در جای جای نمایش با ترجمه همزمان نمایش برخی از تماشاگران کناری خود را بیاری می‌داد.

موبایل در صحنه!!!

در تالار قشقاوی، نمایشی در حال اجرا بود که ناگهان مثل همیشه صدای زنگ موبایل به اعصاب تماشاگر ضرباتی وارد کرد و بالاصله شخصی موبایل در دست و روی گوش کرو سطح صحنه به مکالمه تلفنی بسیار راحتی پرداخت که برخی از تماشاگران گمان کردند، این صحنه‌ای از نمایش است ولی همین که به دنبال ارتباط موبایل و داستان نمایش گشتند. تماشاگر موبایل در دست از صحنه رد شد و

دیگری از این انتشارات به مناسبت جشنواره عرضه خواهد شد.

اخبار جشنواره

دسته گلی برای هنرمندان

در نوزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر هر شب پس از آخرین اجرا هنرمندانی که اثرشان نشده‌اند

قصد از نوشتن این چند جمله اثبات نمایشی یا تحمیل آن به تماشاگر نیست. چرا که به هر حال هر تماشاگر با بینش و پیش زمینه خود به تماشای یک نمایش می‌آید و انتظاراتی دارد که اگر آن انتظارات برآورده نشود، مجاز است واکنش نشان دهد و عادی ترین واکنش تماشاگر ترک سالن است.

نمایش "سرزمین افسون" به کارگردانی گوران

علی کریم برخلاف برخورد برخی از تماشاگران نمایش با ویژگی‌های منحصر به فرد و بسیار دراماتیک بود که متأسفانه تماشاگر وابسته به دیالوگ ما تحمل تماشای آنرا ندارد. تماشاگری که قدرت درک تصویرش افت کرده‌یا اصلاً تریبیت نشده و عادت شدیدی هم به دیالوگ و کلام دارد و حتی هنگام تماشای تلویزیون هم قبل از دیدن می‌شود، به گونه‌ای تریبیت شده است که یک تئاتر تصویری بدون کلام را تحمل می‌کند ولی یک تئاتر تصویری با کلام را نه شاید به این دلیل که در تئاتر بدون کلام تکلیف بسیار روشن است و می‌داند که فقط باید بینند. ولی در تئاتر مصور با کلام احساس می‌کند اگر که دیالوگ‌ها را نفهمد الزاماً تمام نمایش را دست داده و حتی خود را به زحمت نمی‌اندازد تا از آوای کلام و آنچه که می‌بینند و با چیزی تصاویر در مسیر داستان به دریافت نسبی از نمایش برسد. و بدتر از همه اینکه با بی احترامی کامل به گروه اجرایی و حتی تماشاگرانی که با نمایش ارتباط برقرار کرده‌اند سالن را ترک می‌کنند و در جمله‌ای بهتر می‌توان گفت تظاهر به ترک سالن می‌کنند و با ایجاد همهمه تمرکز گروه اجرایی و مابقی تماشاگران را گسیخته و به هم ریخته‌می‌کند.

نمایش "سرزمین افسون" از کارگردانی بسیار منسجم و قابل توجه برخوردار بود. کارگردانی که با صراحة می‌توان گفت شاید در تئاتر کشور ما در طی سال، یکبار هم اتفاق نیفتند. کارگردانی با خلق لحظات بسیار ناب و فراموش نشدنی، تصاویر گویا و استفاده از بدن بازیگران در خدمت نقش و کلیت نمایش. سه بازیگر

انتشارات نمایش

انتشارات نمایش شماره اول بولتن جشنواره را انتشار داد. این ویژه نامه که در ۲۰ صفحه و به دو زبان تهیه شده حاوی اخبار سالن‌های تئاتر، معرفی گروه‌های ایرانی و خارجی، گفتگو با هنرمندان شرکت کننده در جشنواره، مقالات، نقد و دیگر اطلاعاتی است که می‌تواند راهنمای تماشاگران شرکت کننده در جشنواره باشد.

انتشارات نمایش امسال نیز مثل سال‌های قبل در تمامی سالن‌های محل اجرای نمایش‌های جشنواره کتابفروشی دایر کرده است و نشریات و کتاب‌های تئاتری، بروشور برنامه‌ها، ویژه‌نامه‌ها و... را به دوستداران تئاتر عرضه می‌کند.



نخستین کتابی که در انتشارات نمایش به مناسبت جشنواره انتشار یافته است نمایش چیست. اثر مارتین اسلین به ترجمه شیرین تهاوونی (حائل) از اینده نیز کتاب‌های تعاونی است. در روزهای آینده نیز کتاب‌های

نیز، فیلم کوتاه دیگری انسان - مگس‌ها را تا لحظه تطهیر در دریا و آرامش نهایی نشان می‌دهد.

در یک ارزیابی کلی چنین به نظر می‌رسد که گروه جوان «مگس‌ها» در نمایش بی‌کلام و با استفاده گستردۀ از فیلم و موسیقی و - بویژه - با بهره‌گیری از بدن‌هایی آماده توانسته‌اند تماشاگران را با تجربه‌ای دیداری از نسل تئاتر امروز اسلوانی آشنا سازند.

عبدالحسین مرتضوی

گزارش جلسه نقد و بررسی «جستاری بر افسانه صلح ارش» به کارگردانی مهتاب نجومی

جلسه نقد و بررسی با حضور آقایان «همایون علی آبادی» و «منوچهر اکبرلو» و با حضور کارگردان برگزار گردید. به علّ ضعف کار و عدم اعلان عمومی و هم چنین طولانی شدن زمان نمایش از جلسه نقد و بررسی استقبال لازم به عمل نیامد که خود قابل تأمل است. جلسه را با نام خدا آقای اکبرلو آغاز نمود و از خانم نجومی خواست که در مورد نمایش توضیح دهدند. خانم نجومی متن را کاری از آقای دادرور اعلام نمود که براساس تست. تئاتر یونانی! خود کارگردان قطعاتی ساتیریک! جهت جذب تماشاگر عام در آن گنجانده شده بود. و به نوعی این قطعات «بازی در بازی! را راهه می‌نمود.

آقای علی آبادی در ایراد به سخنان خانم نجومی معتقد بودند که اصلًا قطعات در هیچ‌کدام از ساختارهای نمایشی نججیده و اصولاً باج دادن به تماشاگر است و به نوعی پارودی نمودن اساطیرهاین به مخاطبی است که کارگردان به علت دوری از صحنه تئاتر آنها را درک نکرده است.

آقای علی آبادی از این کار به نوعی کار مدرن که اگر بتوان نامید یاد کرد که باید دراماتیزه می‌شد. خانم نجومی نیز معتقد بودند که کاری کاملاً تست‌گرا نموده‌اند.

جلسه به علت تنگی زمان و به پیشنهاد آقای اکبرلو بعلت بسته شدن سالن نیمه تمام رها گشت.

مگس‌ها

طراح و کارگردان: دوسان تروپسیک (Dusan Teropsic)

رقصدگان و همراهان: پی. جی. تی. ماموت (P.G.T. Mamut)

تینا جانیک Tina Janezic

ایرنا تومازین Irena Tomazin

دوسان تروپسیک

مشاور نمایش: ایرنا استدوهار Irena Staudohar

طراح صحنه و لباس: پی. جی. تی. ماموت

موسیقی: برودت پرایر استجان کوالج Stojan Kralj

طراحی نور: توماز استروکل Tomaz Struci

خلاصه نمایش:

رقصندۀ - بازیگری دچار مسخ می‌شود، دو رقصندۀ - بازیگر دیگر نیز علیرغم کوششی که

می‌کند، به ناچار، به مگس شدن تن در می‌دهند. فرآیندی که مدام تکرار می‌شود تا لحظه نهایی تبدیل شدن به «انسان - مگس» فرا رسد....

مسخ مدام با شکل‌ها و حرکاتی که بیانگر

کشاکش ناگزیر این تبدیل‌اند. کنش بنیادین نمایش مگس‌ها است. اما برخلاف تصور و

گمان آغازین این تبدیل و تبدل، از نظر طراح و کارگردان، یکسر زشت و کریه نیست. گویی

مگس شدن همچون غریزه‌ای است که نشاط زیستن و بقارا نیز موجب می‌شود.

«تروپسیک» در طراحی عناصر و نشانه‌های دیداری و شنیداری (با استفاده

گستردۀ از فیلم و موسیقی) کوشش می‌کند تا دو منظر متفاوت انسان - مگس، یا به بیان بهتر

دو گونه ادراک را عینی کند: جهانی منطقی اما بی‌نشاط و سترون، از منظر انسانی و

جهان وحشی امراضخواشانه مگس‌ها. بدینگونه تقابل اساسی نمایش مگس‌ها بر پایه این دو گونه ادراک - غریزه و واقعیت - شکل می‌گیرد.

کشاکش این دوچهان درونی و بیرونی به تقابل میان بدن‌ها تبدیل می‌شود. بدن‌هایی که در

لحظه مسخ شدن، تحرک و پویایی رقصانی می‌یابند.

سراسر نمایش بیانگر این تبدیل است. در آغاز نمایش فیلمی از حضور سه رقصندۀ -

بازیگر در فضای سبز را مشاهده می‌کنیم که گویی از هجوم مگس‌ها گریزانند و سپس خود

به مگس‌ها تبدیل می‌شوند. در انتهای نمایش

مکالمه تلفنی خود را در بیرون از سالن ادامه داد.

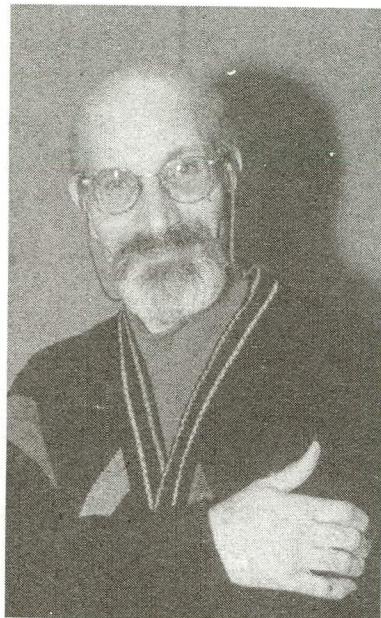
راستی شنیده‌ایم که سازندگان موبایل برای خاموش کردن دستگاه موبایل راه حل هایی را پیشنهاد کرده‌اند.

دو نظر درباره مگس‌ها

رقص و جنگ مگس‌ها

نمایش «مگس‌ها» از تکنیک اجرایی استفاده می‌کند که در جزء خیلی نو و خلاق نیست اما در کلیت جذاب و دیدنی است. استفاده از تصاویر سینمایی در تئاتر قرن بیستم سابقه دارد و استفاده از بدن بدون کلام که ریشه در رقص‌ها و حرکات آثینی بشر اویله دارد استفاده‌ای شایسته و زیباست. تلاشی که بازیگران نمایش «مگس‌ها» می‌کرند به نوعی شبیه تلاشی است که بشر اویله برای فانق آمدن بر طبیعت و حیوانات بهانجام می‌رسانید. اینها در رقص دائمی بدن خود مگس‌هایی را از یک تصویر سینمایی بیرون کشیده و در صحنه جان می‌بخشنند. مگس‌ها در صحنه می‌رقصند و می‌جنگند. نمایش پر است از موقعیت‌ها و لحظات ناب تصویری که شاید بتوان گفت خیلی هم نیازمند ووابسته به قصد نیست. هر تماشاگر بر اساس ذهنیت و تداعی‌های شخصی خود نمایش را دنبال می‌کند و شاید بتوان گفت به تعداد تماشاگران درک حسی و تصویری از نمایش وجود دارد. از این بحث که بگذریم آمادگی جسمانی بازیگران جلوه‌ای ویژه به صحنه بخشیده بود و همراهی موسیقی که سراسر وجودش افکت ملوای شده بود قوای شنوازی تماشاگر را با فضای کار همراه می‌کرد. نکته مهم در اجرای این نمایش این بود که بازیگران صرفاً مکانیکی توانانی‌های جسمانی خود را به رخ تماشاگر نمی‌کشیدند و تصاویر و رقص‌ها و انعطافات بدنی همگی وجودی و ریشه‌دار تداعی‌های بازیگران داشت. در جاهایی به حرکات انسانی نزدیک می‌شد و تماشاگر احساس می‌کرد تمددی در آن وجود داشته. تصویر سینمایی عمق صحنه در تمام مدت نمایش را همراهی می‌کرد ولی بازیگران در مقیاس بسیار کوچکی در مقابل این تصویر عظیم و رنگین سینمایی درشت به نظر می‌رسیدند چرا که حضوری وجودی داشتند.

علی اصغر دشتی



عجبی بنام تئاتر ملی هستند باعث شده که خود به خود تئاتر ملی خودش را تحمیل کند. اساساً این که ما تئاتر سنتی را از تئاتر ملی جدا کنیم غلط است.

بله دقیقاً درست است

به نظر اینطور می‌آید یک مسیری را رفته اند و حالا همان آدم‌ها به جایی رسیده اند که برای ارتباط بیشتر با مردم و مخاطب و معنی کردن کلمه تئاتر ملی در شکل حاضر آنرا در قالبی که ما معمولاً به آن سنتی می‌گوینیم، یافته‌اند.

آن کلمه را در حقیقت خود ما باب‌کردیم و آن هم تئاتر ملی ماست. وقتی می‌گوئیم ما منظورم بنده و مثال من است جلوتر از آن به قول مرحوم عطاء.. زاهد در بزرگداشت سیدحسین یوسفی به نقل از عبدالحسین نوشین و در جمع هنرمندان تئاتر به صراحة گفته بود هنرمندان تئاتر ملی ما کجا بیند؟

تئاتر ملی مان همین است حالا اگر در بدوان مشکل ابتدایی داشته خوب رفته رفته راهه و تدوین شده و هنرمندانی چون آقای بیضایی و آقای نصیریان و مثالهای کارهای تدوین کرده‌اند و بقیه هم اگر این رویه رادیبال می‌کردد خود به خود شکل‌می‌گرفت خوب حالا خوشبختانه بعضی از هنرمندان جوانمان برآسان این شیوه در حال کار هستند و خوب هم کار می‌کنند. بی این نوع تئاتر شکل گرفته و می‌شود روی سبک و سیاقی، اجرا و نگارش آن بحث و صحبت کرد.

◀ تئاتر ملی مان همین است

گفتگو با داود فتحعلی بیگی کارگردان تخت و خنجر

استفاده می‌کنند. شما فکر می‌کنید چرا این اتفاق افتاده است؟

فکر می‌کنم بازگشت به خویشتنی اتفاق افتاده و خوشبختانه دوستان متوجه شدند که باید از خود شروع کرد. ضمن اینکه ما برای تجربیات ملتها دیگر خیلی احترام قائلیم و بسیاری چیزها یاد گرفته‌ایم اما این‌هم بخشی از تجربه تئاتر دنیاست و چرا باید از بین برود. حال اگر دوستان بیابند و بیشتر توجه کنند در آن نوادری و مضامین نویی بیدا می‌کنند و سیاقی و شیوه‌ای نو می‌بایند

لطفاً کمی در مورد چگونگی نوشته شدن این نمایش توضیح دهید؟

اول بار این نمایش را در سال ۳۶ نوشتم و متساقنه در آن زمان بنا به دلایل توفیق اجرا پیدا نکرد و امسال با تجدید نظری مجدد برای اجرای آن اقدام کردند. در این نمایش یک نگاه کوچکی داشتم به مراسم انتخاب حناکم توسطه پرواز در آوردن کیوتان و باز که فقط بهانه ایست برای انتخاب حاکم جدید از میان مردم، او آدم مثبتی است که قصد خدمت دارد. اما همینکه به دربار می‌رسد توسط دستهای پنهانی درون دربار



شیوه‌های ساده و ابتدایی شروع شده که رفته رفته هنرمندانی پیدا کرده که در آن کار پیشرفت کرده‌اند. حال هرچه این توجه بیشتر شود طبعاً جایگاه بهتری پیدا می‌کند و به سمت علمی شدن پیش می‌رود و خوب به همین نسبت خیلی از جوانان نیز به آن به دید تحریر آمیز نگاه نمی‌کنند و طبعاً آنان نیز گرایش پیدا می‌کنند. ضمن اینکه شاید بهر حال دوره‌ای رسیده که همه فکر می‌کنند باید حرفه‌ایشان را در قالب طنز بزنند.

از آن مهمتر شاید این عبارت در چندین سال اخیر که توسط خود این هنرمندان بازگشته و همه شد و دنبال یک چیز خیلی

به تازگی تعداد زیادی از هنرمندان تئاتر به نوعی رو به سوی سیاه بازی اوردند به شکلی که حتی این مضمون‌های آن

پنجمین
شماره دوم



برخورد آکادمیک با نمایش

کفتگو با کیومرث مرادی کارگردان نمایش افسون معبد سوخته

فاطمه هاشمی

متنوع هستند و البته همین که جوان‌ها بتوانند کارهای خارجی را ببینند چه بد و چه خوب نقطه قیاسی محسوس می‌شود.

واایا از حمایت و کمک‌های مرکز هنرهای نمایشی راضی هستید؟

مرادی: به خاطر برنامه ریزی مرکز هنرهای نمایشی در تجهیز گروه‌ها چه از لحاظ دکور و چه از لحاظ لباس که به نظرم برنامه خوبی بوده است تشکر می‌کنم، به خصوص از مهندس زعیمی که «واقعاً» تلاش زیادی را کرده‌اند و دیگر این که من انتظارم از همه دوستانم، اهالی مطبوعات... این است که بیایید گفتگو را ما بین خود بیشتر و بیشتر کنید. اگر ما به اعتقادات یکدیگر و حتی سلیقه‌های یکدیگر اختراحت بگذاریم و اجازه و فرصت تجربه کردن را حق طبیعی همه انسان‌ها بدانیم، قطعاً «عشق والای انسانی در درون ما بیشتر شده و بیوندمان محکم تر می‌شود و من اسیدوارم شکاف میان نسل گذشته و نسل کلونی که گاه بسیار عمیق است و این در درگیری‌های مختلف جلسات گوناگون دیده می‌شود، از بین بود و جای آن دوستی، عشق و صداقت جایگزین شود. باور نکنید ما از یک خانواده تئاتر هستیم و خواهیم بود.

فضای نمایش افسون معبد سوخته به ژاپن تعلق دارد. برای نزدیک شدن به این فضا از چه تمثیلی استفاده کردید؟

مرادی: ما تلاش کرده‌ایم به مسائل سطحی نگاه نکنیم، بنابراین در طراحی صحنه این نمایش و امداد کابوکی و تئاتر نو بوده‌ایم که این در ساختمان طراحی صحنه آقای فروتن در نظر گرفته شده است. در بازی‌ها و کارگردانی سعی شده که اصول اصلی مورد توجه قرار گیرد. اما این به آن معنی نیست که ما داریم تئاتر کابوکی یا تئاتر نو کار می‌کنیم. آقای پتر بروک در جواب متقاضانی که ماهابهاراتا را دیده بودند می‌گفت اجازه بدھید آنچه که در درون ماست متبلور شود. اجازه بدھید ما بتوانیم اندیشه‌هایی را که در دیگر نقاط جهان دیده ایم و حال بخشی از آن را شما می‌بینید. در درون ما بشکف و شما شکوفه‌های آن را ببینید.

به نظر شما نمایش‌های خارجی شرکت کننده در جشنواره امسال چطور هستند؟

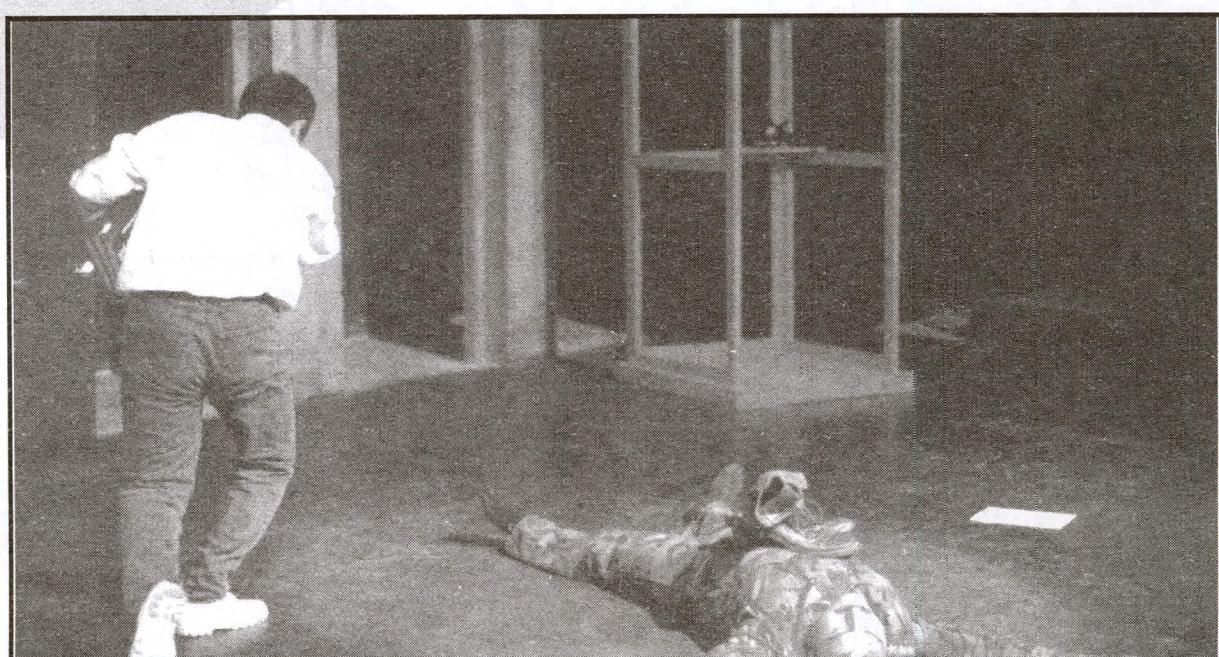
مرادی: آن طور که از اسامی می‌فهمیم

نمایشنامه افسون معبد سوخته چطور نوشته شد؟

مرادی: خانم نعمه ثمینی سال گذشته طرحی را پیشنهاد کردند. بعد از بحث و تبادل نظر زیاد من و ایشان به همراه گروه، حدود ۶ ماه روی متن کار کردیم. به خصوص روی دو ویژگی اساسی متن یعنی ساختار و زبان نمایشی.

اساساً به علت داشتن تحصیلات اکادمیک سعی می‌کنیم همواره با همه مسائل نمایشی، اکادمیک برخورد کنیم. لذا بعد از چندین ماه، متن نوشته شد. اما این به آن معنی نبود که کار نمایشنامه تمام شده است، چرا که همچنان روی شکل زبانی نمایشنامه و شخصیت‌ها در حال کار کردن هستیم و خواهیم بود.

قصه نمایشنامه مانگاهی به شرق دور خاصه کشور ژاپن دارد. ذهنیت این قصه برای خانم ثمینی از آن جایی شکل گرفت که ایشان مدت یکماه توسط سفارت ژاپن به ژاپن دعوت شد (به همراه نماینده‌های هنرمندان جوان دیگر کشورها) و زندگی در آن جایی شکل گرفت که ایشان این قصه را در ذهن نویسنده ما پدید آورد.



نمایش کلافزندگی از



نمایش

شماره دوم

۱۰

وزہمین

جشنواره بین‌المللی نثار فجر

هران - ۲ تا ۱۴ بهمن ۱۳۷۹

نهاده اثر الورشه - مصر



کلکتیوں

شماره دوم

جزئی از اساطیر ما

**کفتنکو با مهتاب نجومی و افسین زارعی
کارگردان و بازیگر نمایش "جستاری بر افسانه صلح آرش"**

الزام آن را در کرده بودند که تماشاگر، یک نمایش بلند حماسی را نمی تواند تحمل کند و باید به او فرستت تمدد اعصاب داده شود.

آقای زارعی شما به عنوان بازیگر این نمایش، چه مورد خاصی در این کار دیدید که بازی در آن را پذیرفتید؟
زارعی: من اساساً "متونی را که به ادبیات کهن و پیشینه تاریخی ما مرتبط هستند، دوست دارم، علاوه بر این دوست داشتم با خانم نجومی کار کنم، حتی اگر شاید کار خوبی از آب در نمی آمد. با این حال سعی کردم تا آخر در کنار کار حضور داشته باشم و حالا که خوشبختانه کار به حدی رسیده که می شود راجع به آن حرف زد، می توانم بگویم که آن را پسندیدم و الان به این نتیجه رسیدم که انتخاب اشتباہ نکرده ام. خانم نجومی، فضایی را بر کار

و استراحتی بوده که در میان منظومه های بلند هومر یا سوفولکل، توسط بازیگران یونان قدیم اجرا می شده. اجرای نمایش های سایر یا کمدی های فارس در بین آنها که همکاران ما در ده هزار سال پیش، حاکم کرده که فکر می کنم با کارهای دیگر کمی متفاوت است.

چه دیدگاهی درباره تئاتر دانشجویی دارید؟

زارعی: با توجه به اینکه در تئاتر دانشجویی، نیروهای جوان واقعاً از دل و جان مایه می گذارند و بدون کمترین چشمداشتی از خود انرژی می گذارند و با پشتکار فراوانِ زحمت می کشند، به جرات می توانم بگویم، هشتاد درصد کارهایی که در جشنواره های دانشجویی اجرا می شود، کارهایی است که می توان خیلی چیزها از آنها آموخت.

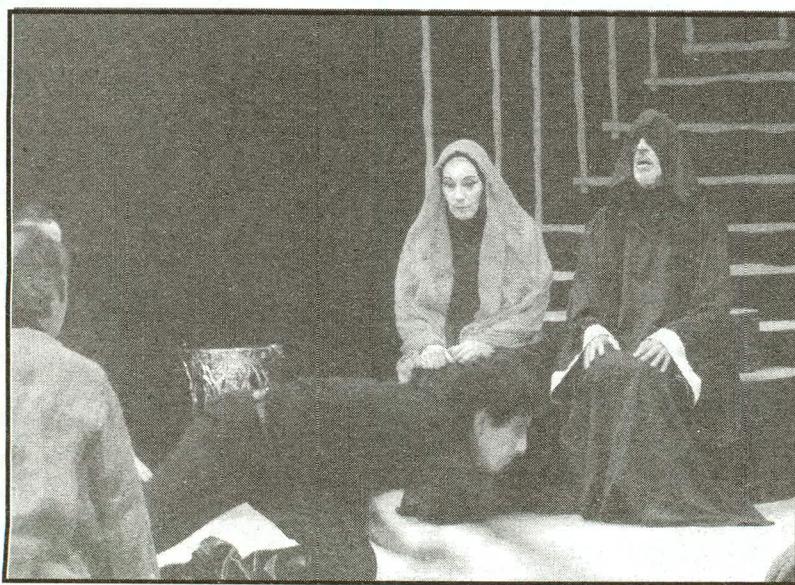


لطفاً کمی از کارتان بگوئید.

نجومی: گمان من بر این است که داستان آرش کمانگیر، داستان شناخته شده ای حتی در نزد کودکان زمان خودم بود. الان نمی دانم آیا این داستان در کتاب های کودکان ما هست یا نه. ما، زمانیکه کلاس سوم یا چهارم دبستان بودیم، داستان تیرانداختن آرش را به عنوان یک داستان تاریخی می خواندیم. البته بعدها متوجه شدیم که این داستان، جزئی از اساطیر ماست. شاید واقعاً، به آن شکلی که ما در کتاب تاریخ می خواندیم، مستند داستان نداشته ولی نگارش متن این نمایش توسط آقای دادمهر، باعث ایجاد انگیزه ای شد برای بازگوئی بخشی از اساطیر کهن ما در یکی از زیباترین اشکال خود. چیزی در این متن، متفاوت به نظر می رسد و آن کوششی است که نویسنده برای خارج کردن متن از یک موقعیت خاص مکانی و آن داده و از آن قصه ای بسازد برای تمام زمینه ها در همه زمان ها.

تفاوت این نمایش که نمایش هایی از این دست که قبلًا" به اجرا در آمده در چیست؟

نجومی: طبیعتاً هر کدام از دوستانی که قبلًا" موضوع آرش کمانگیر را کار کردهند، مطابق با سلیقه، جهان بینی و آموزه هایی که داشتند، آنرا به تصویر کشیدند. ما هم کوشیدیم که کاری نو و بدیع ارائه نمائیم و در این راه از یکی از کهن ترین شیوه های اجرای تراژدی ها و نمایش های اسطوره ای کمک گرفتیم و آنهم همانطور که خودتان می دانید، ایجاد لحظه های فراغت



معرفی ◀

گروه‌های خیابانی

مردی از همین نزدیکی

گروه باع آبالو

نویسنده و کارگردان: مهدی کاموس

بازیگران: سید کامران علمدهی، حمید رضا

صفار، مجید قربانی

دستیار کارگردان: مجید قربانی، حمید رضا

صفار

مدیر صحنه: الهام امجدیان

خلاصه نمایش:

نمایش مردی بدھکار و کتابفروش است

که همواره خدا را می‌خواند و در همین موقع

مردی از طرف خدا می‌آید و هر چه او می‌خواهد

به او می‌دهد از موبایل، ماشین گرفته تا

نمایندگی مجلس و وزارت... در پایان وزیر

استیضاح می‌شود و مرد می‌رود و...

A man from somewhere

near

Group: Sour cherry

Playwright & Director: Mehdi Kamoos

Actors: Seyed Camran Alamdehi, Hamidreza Suffar, Majid Ghorbanie Hamidreza Saffar.

Assistant Director: Majid Ghorbanie, Hamidreza Saffar

Set Manager: Elham Amjadian

چک

گروه آسمان

نویسنده و کارگردان: حامد حسین زادگان

بازیگران: مسعود صالحی، مهدی گلچین، حامد

مجیدی، حامد حسین زادگان

دستیار کارگردان: محمد رضا میرمحمدی

مدیر صحنه: حامد مجیدی

طراح دکور: محمد عطائی

خلاصه نمایش:

شакی متهم و سرباز در حال عبور از بین

مردم با هم درگیر می‌شوند و در این درگیری

شاكی علت شکایت و متهم علت برگشت

خوردن چک خود را با بازی گرفتن از مردم و
ارتباط با آنها برای مردم مطرح می‌کنند و در
پایان نمایش با یکی از راههای پیشنهادی مردم
پایان می‌ذیرند.

دستیار کارگردان: حامد شیدایی
طراح لباس: لیلا جواهری
آهنگساز: محمد رضا باقری
خلاصه نمایش:
گدای جوانی جای گدای پیری را اشغال
کرده است و گدای پیر می‌خواهد جایش را باز
پس گیرد و سر این موضوع درگیر شده و در
نهایت متوجه آشنازی دیرینه و روابط پدر
فرزندی هم می‌شوند.

Beggar and Beggar
Playwright and Director: Leila Javaheri
Actors: Mohammad Bagher Bagheri, Alireza Pakzadad
Assistant Director: Hamed Sheidaie
Costume Design: Leila Javaheri
Music: Mohammad Reza Bagheri

Cheque

Aseman Group

Playwright & Director: Hamed Hossein Zadegan

Actors: Masood Salehi, Mehdi Golchin, Hamed Majidi, Hamed Hossein Zadegan

Assistant Director: Mohammad Reza Mirza

Mohammadi

Set Manager: Hamed Majidi

Set Design: Mohammad Ataie

هر چی

نویسنده و کارگردان: فرامرز شاه قلعه

بازیگران: فرامرز شاه قلعه، مجید صیادی

طراح دکور و لباس: فرامرز شاه قلعه

آهنگساز: علی محمد بیگی، فرامرز شاه قلعه

خلاصه نمایش:

شخصی که دست‌هایش بسته است توسط فرد دیگری وارد میدان شده و بر روی آن توسط اسپری ضرب‌دری زده می‌شود سپس دیوارهای نامرئی از چهار طرف به او فشار آورده تا اینکه شخص تبدیل به رباط می‌شود، سپس توسط بازیگر رباط هدایت شده و با آن بازی می‌کند و خودمی‌خواهد توسط گالن بنزین دست به خرابکاری بزند که کنترل رباط از دستش خارج شده و توسط رباط کشته می‌شود.

Whatever

Playwright & Director:

Faramarz Shah Ghalee

Actors: Faramarz Shah Ghalee, Majid Sayadie.

Set & Costume Design:

Faramarz Shah Ghalee

Music: Ali Mohammad Beigi, Faramarz Shah Ghalee

گدا به گدا

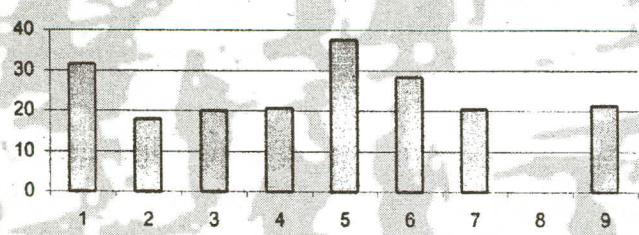
نویسنده و کارگردان: لیلا جواهری

بازیگران: محمد باقر باقری، علیرضا پاکزاد

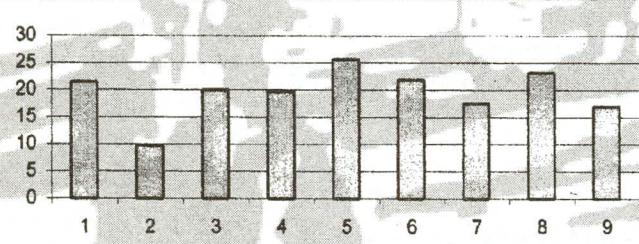
عطایه
میناب
نویسنده: حسین محمد حسینی
کارگردان: احمد شنبه‌نیا
بازیگران: محمد جمالزاده، باقر رمضانزاده، رضا جاشونیا، ابراهیم زنجیر، محسن تقیی، علی شیرعلی زاده، مصطفی قدوی
دستیار کارگردان: سلمان سیحانی
خلاصه نمایش:
مراسم عروسی در حال اجرا است داماد را برای حمام کردن به زیارتگاه می‌برند پسر بجهه شلوغی ناگهان دچار بیماری زار (عطایه) می‌گردد با اجرای مراسم زار پسر بهمود می‌یابد.

**Atrieh
Minab**
Playwright: Hossein Mohammad Hosseini
Director: Ahmad Shanbeh Nia
Actors: Mohammad Jamalzadeh, Bagher Ramazanzadeh, Reza Jashonnia, Mohsen Naghibi, Ali ShirAlizadeh, Mostafa Ghadavi
Assistant Director: Sakman Sobhani

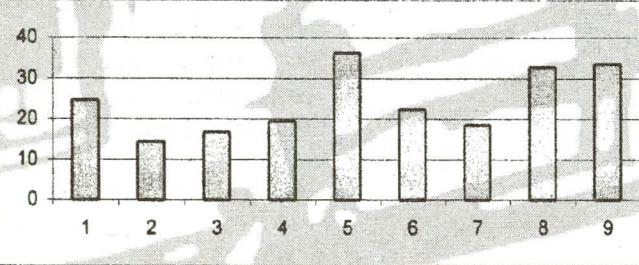
بازیگر نقش اول زن



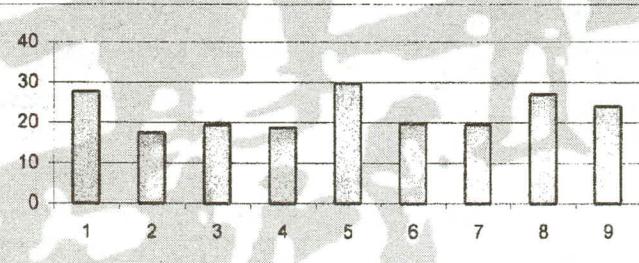
طراحی صحنه



موسیقی



مجموع آرا (بعلوه‌ی طراحی لباس، نورپردازی، گریم و بازیگران مکمل)



ردیف	ردیف	ردیف	ردیف
۱	۲	۳	۴
آنتیگونه	سوسو شون	مکبیت	وقت خواب ماهی ها
۱	۲	۳	۴
سفر پرده های خاله جان مشنی	نقشن زن	آبی ترین آسمان شهر	قهقهه فجری
۵	۶	-	سفری برای آرلن
۶	۷	۸	۹

ردیف	ردیف	ردیف	ردیف
۱	۲	۳	۴
آنتیگونه	سوسو شون	مکبیت	وقت خواب ماهی ها
۱	۲	۳	۴
سفر پرده های خاله جان مشنی	نقشن زن	آبی ترین آسمان شهر	قهقهه فجری
۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴

ردیف	ردیف	ردیف	ردیف
۱	۲	۳	۴
آنتیگونه	سوسو شون	مکبیت	وقت خواب ماهی ها
۱	۲	۳	۴
سفر پرده های خاله جان مشنی	نقشن زن	آبی ترین آسمان شهر	قهقهه فجری
۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴

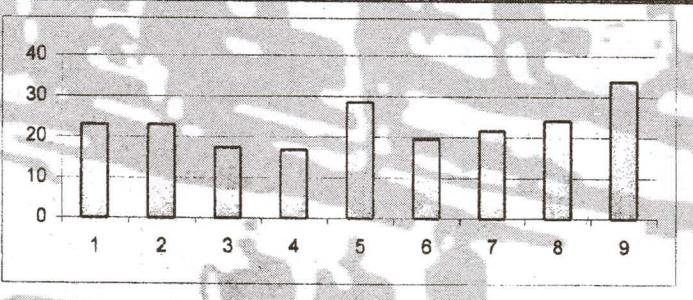
ردیف	ردیف	ردیف	ردیف
۱	۲	۳	۴
آنتیگونه	سوسو شون	مکبیت	وقت خواب ماهی ها
۱	۲	۳	۴
سفر پرده های خاله جان مشنی	نقشن زن	آبی ترین آسمان شهر	قهقهه فجری
۵	۶	۷	۸
۱	۲	۳	۴

دفتر طرح و برنامه مرکز هنرهای نمایشی

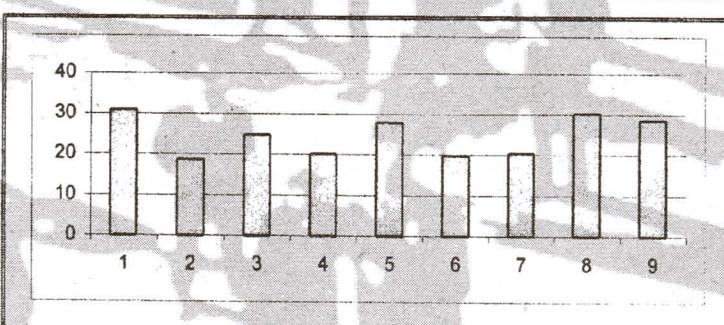
نتایج آماری آرای تماشاگران

درباره‌ی نمایش‌های اجرا شده در روز یکشنبه ۲ بهمن ماه

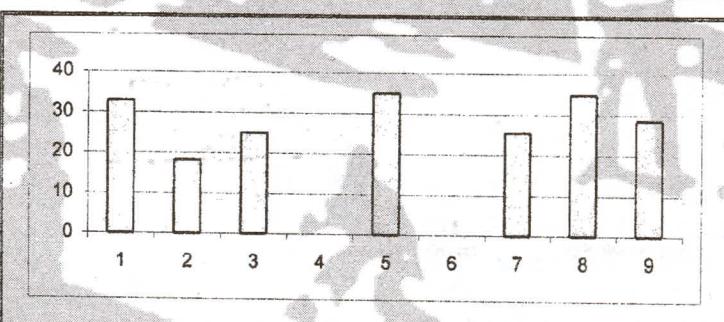
منت (نمایش نامه)



کارگردانی



بازیگر نقش اول مرد



against wrong traditions.

Bazikhaneh

Arak

Writer: H.Kiani

Director: A.Izadi

Actors: M.Rahmati,
S.Parvar

Set Design: S.Safari

Music: K.KhoshAlhan, M.
Nooralishahi

Synopsis: A woman called Gollab is arrested by the king. The king falls in love with her, and tries many ways to gain her...

Loves on the wind

Minab

Writer: S. Movahedi

Director: A. Zaree

Actors: Gh.Pilevar,
Kh.Zaree, A.Divedar,
A.Rahimi, A.Rahimi,
A.Rahimi Shasavari,
S.Zaree, M.Rahimi, S.Zaree,
K.Moslemy, E.Alizadeh,
S.Zaree, T.Khademi,
A.Divar, T.Khadem

Music: M.Divdar,
N.MirRostami, J.Nedaiee,
M.Daruishzadeh, H.Zarrorie

Synopsis: A boy is in love with a girl who has wrapped him and forty other boys round her little finger.

The Broken Cassett

Sabzevar

Writer & Director: S.

Hadizarghani

Actors: H.Eslami,
M.Taghinia, M.Rokhsati
Tabar, H.MirAbedi

Costume Design:

M.MirAbadi

Light: S.HadiZarghani

Music: A. BehnamiAkbari

Synopsis: The play is the story of a girl who defends her mother's beliefs and a

boy who stands against both of them.

One Minute Silence

Writer and Director: M.

Yaghoobi

Theatrical Groupe: Theatre Emrooz

Cast: A.Keykhaee, A.Jafari,
R.Aminfar, P.Bahraam,
M.Jafargholizadeh,
H.Barghnavard, R.Norozi,
H.Hosseinzadeh.

A.K.Ahanjan,
A.Barghnavard, R.Bahraam

Stage and Costume

Designer: N.Nazmi

Graphic Designer: A.Esmi

Co-director: R.Bahram

Stage Manager: M.R.
Hosseinzadeh

Synopsis:

It deals with the lives of three sisters during a period of some years.

A Girl with a Scarlet shawl

Playwright and Director:

H.R. Naeemi

Theatrical Group: Shaya

Cast: Y.Sabahi, B.Nazi,
K.Deerbaz, N.Porrangi,
M.R.Rahmani, N.Ostad,
S.Khanzadeh, P.Khanzadeh,
S.Farjad, M.Nikbakhtian,
M.Rahnema, P.Pooyan,
M.R.Pooyan

Stage ans Costume

Designer: M. Ataee

Graphic Designer:

F.Shafiee

Interviews

An interview with M.

Noioumi director of "The

Legend of Arash's peace"

The story of Arash is a well known story which is one of

our myths. What is different this time is the endeavour of the writer to show the story is not an extraordinary situation at a special place. Naturally everyone who has brought Arash on the set has worked with his own point of view and taste and we have also tried to perform something new.

An interview with M. Rabanipour director of "The bustling journey of Dear Aunt Mashti"

This play is the story of an 80 years old lady whose son has gone to Frankfurt many years ago and now she wants to visit him. But she needs her husband's consent to leave the country. However her husband had passed many years ago. This play has actually a bitter humour. But we are not really trying to be humorous, even if some of the happenings maybe funny.

An interview with M. Yarahamadi director of "Fishes sleep time"

The play is actually an account and explication of an old actor and a singer. In the performance we have tried to have a special presentation of the play in proportion with the meaning of the text.

It's the world of imagination and we have tried in different ways to enter inside the character, therefore on the set we will have new unfamiliar and symbolic acting.

Introducing Iranian Plays

Trembling Auspicious

Writer: A. Nadrei Najaf abadi

Director: M. M. Alikhani

Casts: F. Amnzade, P. Abdolkarimzade, F. Sabooni, M. Bagheri, S. Eskandari, A. Hashemi, M. Soltani

Set & costume & Light designer: M. Shoja

Synopsis

It's a story about a family in the downtown of Tehran.

Sansare

Writer: S. Amin Nejad, N. Ghaderi

Director: N. Ghaderi

Casts: S. Kamali, M. Zare, M. Shoja, P.N. Amini, M.R. Kohestani, A.R. Nasibi, S.M.K. Darbandsari, Samere, K. Bamsi

Set designer: R. Shapourzade

Costume designer: M. Golzar shahri

Music: M. Fereshtenejad

NAMAYESH

The 19th International Fadjr Theatre Festival

No.2

Editor-in-chief:

Lale Taghian

Graphic Designer:

Anoushiravan Mirzaei

Translators:

Akhtar Etemadi

Ava serjoei

Photographer:

Fattane Dadkhah

Computer Graphist:

Kianoosh Ramezani

Type-setting:

Farzane Sarmadi

Parviz Mirzahosseini

Synopsis

Lahamo has killed his husband and now is sentenced to death. King Ish loves Laahamo. Lahamo asks a question, but no one except Ilia can't answer it. The question is: how many witness can prove that Lahamo is both woman and man. Witches report that Ilia was killed. Lahamo can't bear this sorrow and hangs herself.

Stone over stone

Writer: P. Arab

Directors: V. Tarrahom

Moghaddam, P. Arab

Theatrical Group: Sheida

Cast: V. Tarrahom

Moghaddam, M. Karimi,

A. Tehrani, M. Vafaei,

N. Amirhosseinin,

S. Rahmani pour,

M. Khodaverdi, P. Mirzaee,

M. Keshavarz, R. Zareef,

A.R. Alijani, P. Bakhshi,

R. Arab

Stage & Costume

Designer: H. Niazi

Ligthing: Safari

Graphic Designer: M. Dehgani

Music by: H. Baharbeen

Co-director: M.M. Hashemi

Stage Manager: M. Hashemi

Synopsis:

An author, Masoud, and his pregnant wife, Maryam, are writing a play, "Bijan and Manijeh." They act it out. They are waiting for the birth of their baby to solve their problems since they are driven to extremities by their landlord.

The Throne and the Dagger

Writer & Director: D.

Fathali Beygi

Theatrical Troupe: Tamasha

Cast:

H. Babaee, A. Yadollahi, S. Mehrpoyan, A. Khazani, M. Mousavi, V. Shahini, A. Khazani, M. Mousavi, V. Shahini, Gh. Tahe Ahmadi, S. Darvishnezhad, M. Yeganeh, S. Shiri, A. Karam Rezaee, F. Taheri, Sh. Masoudi

Stage Designer: M.H. Naserbakht

Costume Designer: M. Dehghani

Graphic Designer: A. Yadollahi

Stage Manager:

S. Mehrpoyan, Sh. Abbasi

Synopsis:

It's about a black servant named talkhak who's name is drawn to become a ruler for a year. He is used by others against will and because he spills the beans he is killed in th end.

The Last Pearl

Writer & Director:

H.R. Azerang

Theatrical Troupe:

Sooratak

Cast: H. Ebrahimi,

N. Abolghasemi,

K. Khosrowmoradi,

J. Abdollahi, A. Shafee, F.

Stage Designer: P. Soori

Costume Designer:

T. Jamehgarmi

Graphic Designer:

M. Neekravesh

Music by: H. Lashkari

Synopsis:

A man, returning after 20 years being away from his home, wants to launch a campaign against wrong traditions from which he has suffered. A girl attempts to argue him out of his decision but, the man by telling her his lifestory, shown in a flashback, convinces the girl and decides to crusade

برنامه های امروز و فردای جشنواره

قالار مولوي

۴ بهمن: آخرین مروارید به کارگردانی حمید
ذرنگ. ۱۶ و

۱۸ و ۱۹ بهمن: سنگی بر سنگ به کارگردانی وحید

فضای باز تئاتر شهر:

۱۵ - (فزوین) - جلسه مجلس شورای اسلامی

وستان‌ها و میادین تهران:

جلسات نقد و بررسی:

۲ بهمن: نقد نمایش "خت و خجر" با
کارگردانی داود فتحعلی بیگی توسط همایون
علی آبادی، صمد چینی فروشان و منوچهر
کبرلو - تلاارقشقاپی

۷ بهمن: نقد نمایش "آقا محمد خان قاجار" تالار فرشتگان زاده - تالار فرشتگان

تالار قشقایی:

۲ بهمن: تخت و خنجر با کارگردانی داود
فتحعلی، سیگ - ۱۷ و ۲۰

۵ بهمن: آقا محمد خان قاجار کالیگولا با
کلگدان سپسوس شاهله. ۱۷ ه

قالا، کوہ حک:

۱۹۱۳ - مقاله

نالار سنگلچ:

۱۷ و ۱۸ کوه بست احمد در

۷ بهمن: مصاحبه به کارگردانی محمد
جمانان. ۱۷ و ۱۹

تالا، وحدت:

۲۱ و ۱۹ و سال الثوز؛ بکدنده رهمه ۵ و ۴

تالار بزرگ تئاتر شهر:

۴ بهمن: مگس‌ها (سلوانی) با کارگردانی
دوسان، توسیک. ۱۸ و ۲۰

۵ بهمن: آنتیگونه (آلمن) به

تالار چهارسو:

۴ بهمن: سنساره با کارگردانی نصرالله قادری.

۱۹، ۱۷

۱۹ و ۲۰ بهمن: اورکت (بلغارستان).

تالار سایه:

۴ بهمن: افسون معبد سوخته با کارگردانی
کیومرث مرادی - ۱۸/۳۰ و ۲۰/۳۰

۵ بهمن: سعادت لرزان... با کارگردان
علیخانی - ۱۸/۳۰ و ۲۰/۳۰

آمار تماشگران جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر



THE 9th INTERNATIONAL
FAJR THEATRE FESTIVAL
جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
تهران - ۱۳۷۹ - ۲۵ بهمن - ۲۱ آذر ۲۰۰۱



PLACE	VAHDAT HALL	MAIN HALL	CHARSOO HALL	SAYEH HALL	GHASHGHEI HALL	LITTLE HALL	HONAR HALL	SANGELADJE HALL	MOLAVI HALL	ARTIST'S HOME	INFRONT OF THE CITY HALL	PARKS AND SQUARS OF TEHRAN AM-PM
DATE	19-21	18-20	17-19	18/5-20/5	17-20	19-21	17/30-19	17-19	16-18	10-13	3 PM	
TAZIEH EMAM SADEGH (P.B.U.H) 3 PM (INFRONT OF THE CITY HALL)												
20 JAN 2001	ANTIGONE □ P.SABERI✓	SOOYASHON □ M.MOHAMEDIV	MACBETH F.MOHANDES □ POOR✓	FISHES SLEEP TIME □ M.A.YAR AHMADI	THE JOURNEY OF AUNTY OMRAHANIPOOR	THE ROLE OF A WOMAN MARABZADEV □ (ESFAHAN)	THE GHAJAR COFFEE □ A.PESIANI	THE BLUEST SKY OF THE CITY A.MALEKI □ (KORDESTAN)	A TRIP FOR ARASH □ K.SHAFILEV	■ TAZIEH • SHIRAFKAN		
SUN 21 JAN 2001												
MON 22 JAN 2001	THE EPOPEE OF THE ROCK REVOLUTION □ H.MARZBAN	FLIES * SLOVENI □ H.DADSHEKAR	STRANGER CHILD □ M.NOJOOMIV	THE LAND OF CHARM B.ALKARIM □ (KORDESTAN) ✓	TANOOREH SM.TABATABAEI □ (ESFAHAN)	THE CHARM OF BURNT TEMPLE □ (KORDESTAN) ✓	THE BLUEST SKY OF THE CITY A.MALEKI □ (KORDESTAN)	WHISPERED STORIES A.KOOHESTANI ■ (SHIRAZ)	THE LAST PEARL OHAZARANG	■ TAZIEH • SHIRAFKAN		
TUE 23 JAN 2001	STUBBORNESS (TRANGATES) * SIERRA LEONE	FLIES * SLOVENI □ H.GHADEH	SANSAREH □ H.GHADEH	THE THRONE AND THE DOVE □ P.MORADI	THE DOUBLE DOVE ON DEHGHAN	THE ALBORZ AS VAST AS THE UNIVERSE M.ROSTAMI □ (KORDESTAN)	THE ALBORZ AS VAST AS THE UNIVERSE M.ROSTAMI □ (KORDESTAN)	WHEN WE RETURN... E.POSHTKOHI □ (BANDAR ABBAS)	THE LAST PEARL OHAZARANG	■ TAZIEH KHANDAGH WAR (GHAZVIN)		
WED 24 JAN 2001	STUBBORNESS (TRANGATES) * SIERRA LEONE	ANTIGONE * GERMANY □ H.GHADEH	OVER COAT * BULGARIA □ M.ALIKHANI	TREMBLING AUSPICIOUS OM.ALIKHANI	SIR MOHAMMAD KHAN CALIGOLA □ C.SHAMLOO✓	THE DOUBLE DOVE ON DEHGHAN	THE DOG CRIES ROCK ON THE ROCK □ TARAHOMI-ARAB	THE DOG CRIES H.PLICK □ (KERMANSHAH)	ROCK ON THE ROCK OTARAHOMI-ARAB	■ TAZIEH KHANDAGH WAR (GHAZVIN)		
THU 25 JAN 2001	MEMORIES * SWITZERLAND	ANTIGONE * GERMANY □ H.GHADEH	OVER COAT * BULGARIA □ M.YAHBOI	A MINUTE SILENCE □ M.YAHBOI	SIR MOHAMMAD KHAN CALIGOLA □ C.SHAMLOO	MINOTOR A.KHABAZ □ DADGAR	LOVE ON THE WIND AZAREEI □ (HORMOZGAN)	LOVE ON THE WIND M.RAHMANIAN □ (HORMOZGAN)	IF IT RAINS M.AKBARNEJAD □ (FARS)	■ TAZIEH KHEBAR WAR (SHIRAZ)		
FRI 26 JAN 2001	THE SPINNING LIVES * EGYPT	SALEH AL-ABD □ PALESTINE	LITTLE PRINCE * GERMANY □ H.KIANI	REJESORES NEVER DIE □ H.NASRABADI✓	MINOTOR A.KHABAZ □ DADGAR	BUILT WITH LOVE A.HEDJAZI □ (ESTAZARBURUN)	INTERVIEW IN ENGLISH M.MAKBARNELJAD □ (FARS)	INTERVIEW IN ENGLISH M.MAKBARNELJAD □ (FARS)	IF IT RAINS M.MAKBARNELJAD □ (FARS)	■ TAZIEH KHEBAR WAR (SHIRAZ)		
SAT 27 JAN 2001	THE SPINNING LIVES * EGYPT	SALEH AL-ABD □ PALESTINE	LITTLE PRINCE * GERMANY □ H.NAEMI	THE GIRL WITH THE SCARLET SHAWL SH.NOOSHIR (GOLESTAN) □ H.NAEMI	NAMELESS MARIA □ H.HASHEMPOOR✓	THE BROKEN SH.ZARGHANI □ (KHOZESTAN)	POOF ■ H.HESSAMI □ (THE DECEASED)	POOF ■ H.HESSAMI □ (THE DECEASED)	MEDEH-A □ NHOSSEINI✓	■ TAZIEH SAFIN WAR (ARAK)		
SUN 28 JAN 2001	LADY YANG * CHINA	LEONARDO * PORTUGAL □ MOADABIAN	LIFE IN THE THEATRE □ TIRANDAZ	AROOS HOTEL AVASOLI □ A.RASEKH RAD	ODISEH AUNT OF WISHES A.ROSEKH RAD □ (YAZD)	THE BROKEN S.H.ZARGHANI □ (KHOZESTAN)	POOF ■ H.HESSAMI □ (THE DECEASED)	POOF ■ H.HESSAMI □ (THE DECEASED)	LILVA S.AKBARNEJAD □ (KHOZESTAN)	■ TAZIEH SAFIN WAR (ARAK)		
MON 29 JAN 2001	LADY YANG * CHINA	LEONARDO * PORTUGAL □ MOADABIAN	COCK OMRAIMANIAN	THE MUTE THAT WAS DREAMED □ A.PESIANI✓	ODISEH AUNT OB.TAVASOLI □ N.BORHANI OMARAND	THE MAD THAT LAUGHS M.NOROZOZI □ BADADI	REGRET, HOPE,DREAM ■ M.HASHEMI □ (KHOZESTAN)	REGRET, HOPE,DREAM ■ M.HASHEMI □ (KHOZESTAN)	BAZIKHANEH T.MASOOMI □ (ARDABIL)	■ TAZIEH HOSHAM ALGHAMEH		
TUE 30 JAN 2001	EHTERAB PRINCE □ A.RAFIEI✓	ARDAYRAF-NAMEH * IRAN-ITALY	SEEDS OF MEMORY * ARGANTINA □ H.ATEFI✓	MY COMPLICATIONS □ H.ATEFI✓	DUET FOR FALL □ PISHGAR	BIRTH N.BORHANI □ OMARAND	THE MAD THAT LAUGHS M.NOROZOZI □ BADADI	THE MAD THAT LAUGHS M.NOROZOZI □ BADADI	THEN TILL TOMMOROW ■ M.YAGHOUBI □ (KOM)	■ TAZIEH HOSHAM ALGHAMEH		
WED 31 JAN 2001	ANTIGONE * GREECE	SEVEN MANNERS □ H.HEDAYAT✓	SEEDS OF MEMORY * ARGANTINA □ H.GOODARZI	LADY KHORSHID □ H.GOODARZI	THE PIRATE □ A.DEJAKAM✓	GREEN & RED M.SARADI □ (BROUERD)	THE DEATH OF YAZGERD R.FARAKHI □ (GILAN)	THE DEATH OF YAZGERD R.FARAKHI □ (GILAN)	THE SOUND OF THE SEA K.ZAREEI □ (GILAN)	■ TAZIEH TABOOK BATTLE		
THR 1 FEB 2001	ANTIGONE * GREECE	THE SHINNING GARDEN □ H.MARZBAN✓	THE SEVEN LOST TRIBE □ H.SADEGHIV	PRIVATE ROOM □ H.TABATABAEI✓	THE PIRATE □ A.DEJAKAM	CONTACT O.TMEIRDADIAN	THE DEATH OF R.FARAKHI □ (GILAN)	THE DEATH OF R.FARAKHI □ (GILAN)	3 NIGHTS OF 100 NIGHTS ■ H.KHALILIFAR □ (GILAN)	■ TAZIEH • FATAH DA.NADERI		
FRI 2 FEB 2001												
VAHDAT HALL CLOSING CEREMONY - 5 PM												

*INTERNATIONAL SECTION
□ IRANIAN SECTION - OUT OF THE COMPETITION.
△ ENTERTAINMENT SECTION
■ PERSPECTIVE ON THE PREVIOUS YEARS' WORKS

"THE PERFORMING ARTS, PIONEER IN THE DIALOGUE BETWEEN CULTURES
AND CIVILIZATIONS IN 2001"

نوزدهمین

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

تهران - ۱۳ - ۲ بهمن ۱۳۷۹

THE
19th

INTERNATIONAL
FADIR THEATRE FESTIVAL

TEHRAN, 21 JAN. 2 FEB 2001